

عنوان مقاله: قبیله کننده و نقش آن در مهم ترین و رویدادهای عصر جاهلی و صدر اسلام

نویسنده: رمضان محمدی

منبع: فصلنامه علمی پژوهشی تاریخ اسلام

سال شانزدهم، شماره سوم.

پاییز ۱۳۹۴ شماره مسلسل ۶۲

ص ۱۰۹ -

- شناخت بخش مهمی از رویدادهای صدر اسلام در کاوی شناخت قبایل عرب جاهلی و هنجارها و رویه های درونی و کشمکش های بین قبیله ای آنها است. قبیله کنده یکی از قدرتمندترین قبایل یعنی قبل از اسلام است که به دلیل داشتن جنگاورانی نیرومند و جسور و سطح آگاهی روسای آن نقش آشکاری در تحولات سیاسی صدر داشت.

شناخت قبایل عرب جاهلی و هنجارها و رویه
های درونی و کشمکش های بین قبیله ای

- نوشتار حاضر با واکاوی اطلاعات موجود در منابع اولیه چگونگی شکل گیری، نسب انشعاب های درون قبیله‌گی، دین، سرزمین های محل سکونت و مهم ترین رویدادهای تاریخ این قبیله پیش و پس از ظهور اسلام را گزارش کرده است و سپس به چگونگی اسلام آوردن این قبیله و ریشه یابی ارتداد آنها پس از رحلت پیامبر (ص) پرداخته است. بخش پایانی مقاله نیز به بررسی به چگونگی اسلام آوردن این قبیله و ریشه یابی ارتداد آنها پس از رحلت پیامبر (ص) پرداخته است. بخش پایانی مقاله نیز به بررسی نقش مثبت یا منفی برخی شخصیت های نامدار این قبیله در تحولات سیاسی و اجتماعی نیمه نخست قرن اول هجری اختصاص یافته است.

نقش مثبت یا منفی برخی شخصیت های نامدار

کلید واژگان:

- تاریخ صدر اسلام، نظام قبیلگی، قبایل یمنی، قبیله کنده، کوفه



مقدمه

- در زبان فارسی، اثر جامعی درباره قبیله کنده وجود ندارد و بحث درباره این قبیله به نگرش مقاله ای مختصر محدود است. تحقیق و پژوهش درباره این قبیله به دلیل گستردگی نواحی محل سکونت و تاثیر آنان بر حوادث صدر اسلام دارای اهمیت فراوانی است. این تحقیق در صدد است با نگاهی گذرا به تاریخ این قبیلهف تاثیر ایشان را بر حوادث مهم صدر اسلام از ابتدا تا زمان قیام امام حسین (ع) بررسی کند.

- قبیله به عده ای از افراد گفته می شود که با داشتن حسب و نسب مشترک، یک واحد مشترک اجتماعی، سیاسی و اقتصادی می دهند، از آن جا که جامعه صدر اسلام از قبایل مختلفی تشکیل شده بود از دو بعد، شناخت این قبایل ضروری است.

داشتن حسب و نسب مشترک

- ۱- شناخت ویژگی های جامعه صدر اسلام به شناخت قبایل عرب آن دوران بستگی دارد. حتی نظام حکومت های پس از رسول اکرم (ص) وابسته به تحولاتی بودند که در این قبایل ایجاد می گردید. بنابراین، شناخت قبایل، عرب مقدمه شناخت حوادث صدر اسلام است. بر این اساس، انتظار می رود. مطالعات تاریخ اسلامی که درباره ماهیت و ترکیب جامعه اسلامی انجام می شوند، شناخت قبایل عرب قبل از اسلام را به عنوان نقطه آغاز پژوهش قرار دهند تا تنوع روش ها و دیدگاه ها در زمینه های فرهنگی و نهادهای ناهمگون سیاسی و اجتماعی زمان پیامبر (ص) به اسانی درک گردد.

- تمایل اعراب مسلمان به عصبیت قبیله ای و نادیده گرفتن توصیه های موکد پیامبر (ص)، درباره کنار گذاشتن عصبیت جاهلی، به دلیل رسوخ عمیق باورهای جاهلی در بین اعراب تازه مسلمان بود. اهمیت عصبیت قبیله ای تا جایی بود که برخی از آنان، اسلام را بر اساس بینش اجتماعی مبتنی بر عصبیت پذیرفته بودند.

عصبیت قبیله ای

• ۲- علاوه بر شناخت ماهیت قبایل عرب، شناخت تمایز اعراب شمالی و جنوبی ضروری است. زیرا در بیشتر ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی، جغرافیایی و دودمانی آن دو، تفاوت های عمده ای وجود دارد. این تفاوت ها در پیدایش بسیاری از حوادث اجتماعی و حتی در الگوی انتخاب رئیس و رهبر جامعه دینی دیده می شود. بنابراین این مقاله به شناخت یکی از قبایل قدرتمند و مهم یعنی به نام کننده اختصاص یافته است که در حوادث صدر اسلام و پیش از آن دارای نقش های مهمی بوده است.

لگوی انتخاب رئیس و رهبر
جامعه دینی

نسب قبیله کنده

- همه قبایل پس از قحطان هستند. قحطان فرزندی به نام سبا داشته است که او دارای دو فرزند به نام های حمیر و کهلان بوده است. از این رو، همه قبایل مشهور یمن به نام این دو فرزند معروف هستند. کهلان دارای یازده بطن بود که یکی از آنها کنده است. کنده قبیله ای بزرگ و مهم از قبایل یمن بود که در بین قبایل آن سامان دارای جایگاه مهمی بود. کنديان از فرزندان کنده بن عفیر بن عدی بن حارث بن مره بن ادد بن زید بن یشجب بن عریب بن زید بن کهلان بن سبا هستند که دارای ملوک و حکومت های مقتدری بوده است.

حمیر و
کهلان

وجه تسمیه کننده

- در وجه تسمیه کننده گفته می شود:
- انما سمی کننده لکنود، ای انفصالة من کهلان و نزوحه الی حضر موت
- با توجه به این عبارت کنديان از مکانی دیگر به حضر موت مهاجرت رده اند. از اینرو، **سخن کسانی که کننده را از قبایل حضرت موت، سکنی گزیده است، نادرست می نماید.** شاهد نادرستی این امر، گزارش های گوناگون تاریخی است که نشان می دهند کنديان در اثر بروز حوادث به حضر موت هجرت کرده اند.

سرزمین کنده

- با توجه به این که اگر تعداد افراد و بطون قبایل مشخص شود، نقش آنان در حوادث صدر اسلام مشخص می گردد. در این بخش بطون و مناطق محل سکونت قبیله کنده، بنابراینچه در کتاب همدانی آمده است بررسی می شود. عمده ترین شهرهای کنديان، جبال يمنف حضر موت و غمردی کنده است.

- اما بطون کنده در بلاد گوناگونی ساکن بوده اند که برخی از این بلاد عبارت هستند از:
- ۱- **رِیدَه آرَضین**: منطقه ای با روستاهای زیاد بود که قبیله عباد کنده در آن جا صاحب نخل های فراوانی بودند.
- ۲- **سدبه**: منطقه ای آباد، از قرای محمد بن تجیبی و محل سکونت قبیله تجیب کنده بود.
- ۳- **خوره**: از شهرهای بنوحارثه کنده است

- ۴- **قاره الاشیا:** از مناطق محل سکونت کنديان بوده است که امروزه همین اسم را دارد
- ۵- **المجلانيه:** روستایی در مقابل قريه هَنين بود. جز این که هَنين در وادی غیر و عجلانيه در وادی دوغن قرار داشتند. کنديان در بالای هر یک از این دو وادی، قلعه و در پایین آن کشاورزی داشتند.
- ۶- **شَبام:** شهری بزرگ با سه مسجد و محل سکونت قبایل زیادی بود. ولی کنده بیش از نصف آن را به مخروبه تبدیل کرد.

۷- **حصن حذیه و نجیر:** از قلعه های کنديان بودند که در منطقه حضر موت قرار داشتند و چون در يوم الزده، کنديان به اين قلعه ها پناه بردند اين روز به يوم النجير معروف شد.

۸- **شزن و ذوصبح:** از روستاهای دوعن و محل سکونت بنی واحد از بنی معاویه کنده بود.

۹- **اليحق:** محل سکونت بنی بنایه صدف کنده بود، چان که تفیش به بنی ذهبان صدف کنده تعلق داشت. بیشتر کنديان ساکن در مناطق یادشده، پس از کشته شدن ابن الجون از منطقه بحرین، شمعر و غمردی کنده به ان جا آمده بودند و تعداد تقریبی آنها سی هزار نفر بوده است.

۱۰- غمردی کنده ابن خردادبه فاصله غمردی را با مکه، بیست مایل می داند. این منطقه پیوسته به اسم کنديان معروف بود. چهار قبیله صدف، تجیب، عباد و بنومعاویه از کنده در آن سکونت داشتند.

- ۱۱- **صوران و قشاقش**: قرای متوسطی متعلق به تجیبی ها و قشاقش بودند آن جا منطقه ای کوهستانی بود.
- ۱۲- **عندل**: شهری بزرگ از آن صدف کنده بود. امروالقیس شاعر بزرگ عرب در شعر خود عندل را به کندیان نسبت می دهد.
- ۱۳- **خودون، هدون و دمون**: این سه از شهرهای صدف در منطقه حضموت به شمار می رفتند و در دمون بیشتر فرزندان حجر آکل مرار سکونت داشتند. امروزه بسیاری از اعقاب کندیان در بعضی از این شهر ها ساکن هستند و با وجود این که اسم شهرها تغییر نکرده است، اسم قبایل به ان فلانی یا اهل فلان تبدیل شده است.

- از مناطق دیگر کنديان، حضر موت است. بطون عمده ای از کنیان، پیش و پس از اسلام در این ناحیه می زیستند. این منطقه از مناطق اصلی کنديان به حساب می آید و بیشتر در قسمت شرقی یمن زندگی می کردند. حضر موت دارای مناطق مختلفی مانند خوار، حریم، ابیورد، المی، یشرح، کفیل، تسریر، حبوطه، مدوده، تریم و الحیق است که به بطون مختلف کنده در این مناطق به شکل پراکنده زندگی می کردند.



• در دوران پیش از اسلام، برخی از قبایل کنده به منطقه نجد رفتند که خانواده امروالقیس شاعر از این گروه هستند. چنان که بعضی دیگر به مناطق مضر مثل بیا، عین الشس و اثرب رفتند و به نام حضارمه معروف گشتند. همچنین درباره سکونت کلدیان در حیره و اندلس، به یوزه درباره تجبیبی ها که در اندلس دارای حکومت های بلوک الطوائفی گزارش هایی وجود دارد. علاوه بر مناطق یاد شده در مناطقی مانند کر و شیوه، وجود چند قبیله از کلدیان گزارش شده است.

امروالقیس

- با همه پراکندگی جمعیتی که از کندیان گزارش شده است، آنان در نیمه نخست قرن پنجم میلادی، دولت عربی جوان تشکیل دادند و در ایام حکومت تبع ها از بلوک حمیر، بعضی از مناصب حکومتی را عهده دار شدند. به هر حال، آن چه گذشت مروری بود بر مناطق سکونت کندیان در بیش از اسلام اما مهمترین محل سکونت آنان پس از اسلام، کوفه است. آنان پس از مهاجرت به این شهر، در حوادث این شهر که مدتی مرکز جهان اسلام بود، نقش های مهمی ایفا کردند.

پراکندگی جمعیتی

دین مردم کننده پیش از ظهور اسلام

- اولین آیین رایج در بین عرب پیش از اسلام دین حنیف ابراهیم (ع) است که به عنوان آیین حضرت ابراهیم (ع) در قرآن کریم تایید شده است. کسانی که به این آیین عمل می کردند، افراد بسیار کمی بودند و به آنان حنفا گفته می شد. در مقابل دین حنیف ابراهیمی، ادیان دیگری در شبه جزیره عربستان وجود داشت که قران کریم، بعضی از آنها مانند دین یهود، نصارا و صابئان یاد می کند. درباره این که، کدام از این ادیان در میان قبایل، یعنی مانند قبیله کنده وجود داشته است. گزارش دقیقی وجود ندارد.

دین حنیف ابراهیمی

- با این حال مسلم است در زمان دولت حمیریان، مردم یمن بت پرست بودند. در ناحیه حضرموت ، کندیان دو بت معروف به نام های **ذریح** که در حصن نُجیر بود و **الجسد** را می پرستیدند که به قبیله سکون کنده تعلق داشتند. کندیان با این که بت پرست بودند ولی شرک آنان در عبودیت بود و به خدا اعتقاد داشتند و تنها بتان را شفیع قرار می دادند. شاهد آن، تلبیه قوم کنده است که یعقوبی آن را چنین نقل می کند:
- «لیک لا شریک لک تملکه او تهلک انت حکیم فاترکه»

- کلبی گزارش می کند که وقتی تبع از سفر عراق باز می گشت دو حبر از مدینه با وی هم سفر شدند و او ر به ویران ساختن بتان فرمان دادند. تبع به آن دو چیز گفت:
- «این شما و این خانه بتان پس آن دو حبر، بتان و خانه بتان را کوبیدند و تبع و اهل یمن یکسره یهودی شدند.»
- .

- بنابراین به نظر می رسد دین یهود و نصارا پس از سقوط حمیریان در بین کنندیان نفوذ می کند و گرایش آنان به یهودیت بیشتر از سایر ادیان بوده است. تنها پس از مسیحی شدن پادشاهان رومی و تلاش آنان در گسترش مسیحیت، آیین مسیحیت در بین کنندیان نفوذ می کند و گسترش می یابد. در اوایل ظهور اسلام، تعداد قابل ملاحظه ای مسیحی در بین کنندیان وجود داشت که به عنوان نمونه، عبدالله بن سلام که به ابومالک قرظی شهرت دارد و از علمای یهود به شمار آمده است. از قبیله کنده است که پس از ظهور اسلام از یمن به مدینه آمد و با زنی از بنی قریظه ازدواج کرد. برخی علت ازدواج عبدالله بن سام را با زن یهودی در راستای گسترش یهودیت و مسیحیت در یمن می دانند

- شاهد این گسترش، حضور گسترده مسیحیان نجران در مدینه است، هنگامی که رسول اکرم (ص) به اهل نجران نامه نوشت، چهارده نفر از اشرف نجران خدمت پیامبر (ص) به اهل نجران خدمت پیامبر (ص) رسیدند که یکی از آنها، عاقب عبدالمسیح از اشخاص به نام و مردی از کنديان بود. در سال نهم قمری، پیامبر(ص) خالد بن ولید را به دومه الجندل سراغ اکیدر بن عبدالملک فرستاد. **اکیدر**، پادشاه کنديان در این منطقه مردی از قبیله کنده و دارای دین مسیحی بود. یهودی با مسیحی بودن شخصیت های برجسته کندي نشان می دهد که این دو دین به تدریج در بنی آنان گسترش یافته بود و تعداد زیادی از افراد قبایل کنده، این دو دین را پذیرفته بودند.

تیره ها و بطون و شخصیت موثر کننده

- کنده دارای دو فرع اصلی بنومعاویه و بنوالاشرس است، **هنگامی که کنده گفته می شود** **مراد بنومعاویه است** و اگر مقصود بنی الاشرس باشد، به اسم یکی از آنان مثل صدف، سکون و سکاسک خوانده می شود.

- قبل از ظهور اسلام، بیشتر بلوک کنده از تیره بنومعاویه این قبیله بودند. پس از اسلام، نیز این تیره دارای مردان برجسته و موثری بود. بنابراین، بنومعاویه از تیره های مهم کنديان است و خود تیره های مهمی مانند بنووهب، بداء و رانش دارد. شریح بن حارث قاضی معروف کوفه، تنها فرد معروف از بنی رانش بود. مهم ترین تیره های بنوالاشرس، سکون، سکاسک، صدف و تجیب هستند. هر یک از این تیره ها دارای شخصیت های برجسته ای بودند که در حوادث قرن نسخت هجری نقش های مهمی بر عهده گرفتند.

تیره بنومعاویه

- بنا بر گفته ابن حزم، **نه طایفه مهم کنده** عبارت هستند از : بنومعاویه، بنووهب، بنوداء، بنو رایش، سکاسک، سکون، تجیب، بنوعدی، بنوسعد. هر یک از این قبایل دارای بطون گسترده و فراوانی هستند و هر بطئی ممکن است چندین بطن دیگر داشته باشد. یکی از این بطون معروف، بنومره بن حجر از بطون بنومعاویه الاکرمین است که در کوفه، علاوه بر مسجد کندیان، مسجدمستقلی داشتند. شریح بن مزه از این قبیله است که اشعث او را در آذربایجان جانشین خویش کرد. این قبیله پیش از اسلام، همراه سایر کندیان با قبیله مراد جنگید.

معاویه

- یکی از قبایل دیگر بنومعاویه، بنوشجره است که ایشان در کوفه دارای مسجد مستقلى بودند. اجلح بن عبدالله فقيه و عباس بن یزید شاعر از این قبیله هستند. بنوشیطان تیره دیگر از کنديان است. سائب بن یزید از اصحاب عمر بن خطاب، عبدالله بن یحیی خارجی مذهب و معروف به حق، عثمان بن سعید از فرماندهان جنگی حجاج بن یوسف و بنو حجرالقرء و ملوک چهارگانه کنده شامل مخوش، مشرح، جمد و ابضعه، همگی از این قبیله هستند. این ملوک در هیئتی، خدمت پیامبر (ص) رسیدند و مسلمانان شدند ولی به محض برگشتن به یمن، از دین اسلام دست کشیدند.

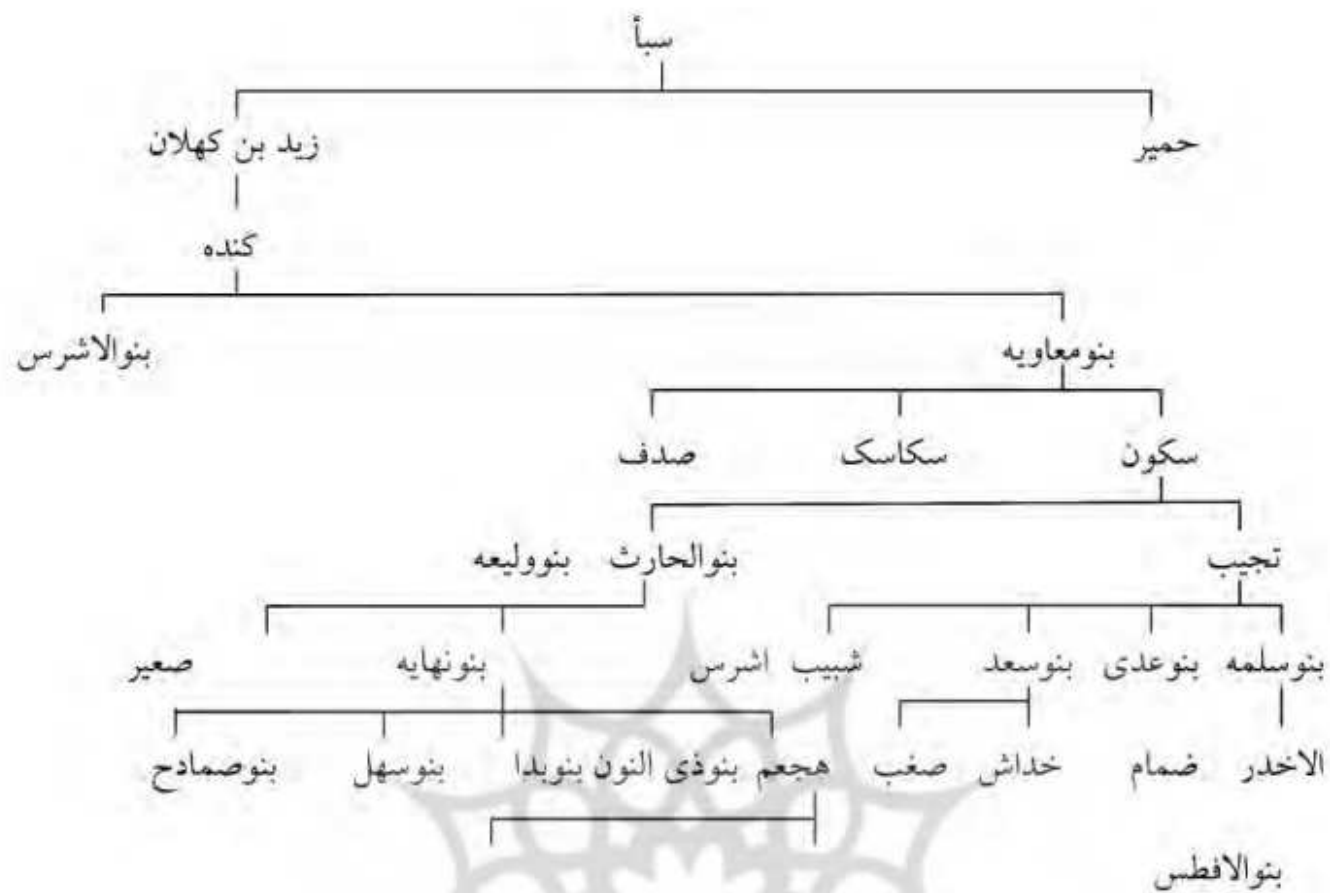
• **سکون از قبایل و بطون بنوالاشرس و از قبایل مهم کنده است.** معاویه بن حدیج، یکی از فرماندهان بزرگ معاویه از این قبیله است که محمد بن ابوبکر را به شهادت رساند. درباره حضور این قبیله در مصر تا اوایل قرن پنجم هجری، گزارش هایی وجود دارد. حصین بن نمیر یکی دیگر از افراد این قبیله است که بعد از هلاکت مسلم بن عقبه در یوم حره، فرمانده جنگ با ابن زبیر شد.

• **سکاسک از قبایل مهم بنوالاشرس کنده است که در شام اموال زیادی داشتند.** این قبیله در جنگ صفین، معاویه را یاری کردند. همچنین حوی بن ماته بن زرعه از قاتلان عمار یاسر از این قبیله است. زیاد بن هجعم، فرمانده شرطه های عبدالملک و جبریل بن یسار، والی ولید در بصره پس از حجاج بن یوسف از این قبیله هستند. افراد این قبیله در دولت مروانیان و عباسیان دارای پست های مهم حکومتی بودند. چنان که عمرو بن قیس بن ثور معروف به ابورثور از والیان هارون الرشید در حمص و پدر، والی منصور در بصره بود.

- تجیب از دیگر بطون مشهور کنده است که در خارج یمن زندگی می کردند و بیشتر قبایل آن در حضر موت بودند. بطونی از تیره تجیب کنده، در شام، مصر و اندلس گزارش شده است که عبارت هستند از: بنوصمادخ، بنوذی البون و بنوالاقطس. یکی از بزرگان این قبیله، حرکله بن عمرو تجیبی صاحب امام شافعی است. کنده دارای بطون فراوانی است که تنها به تعدادی از این بطون و تیره ها اشاره شد.

- حضور قبایل مختلف کننده در کوفه بخش مهمی از جمعیت کوفه را تشکیل می داد. در سال پنجاه هجری قمری، زیاد بن ابیه به عنوان فرماندار کوفه برای کنترل قبایل کوفه، نظام ارباع را جایگزین نظام اسباع کرد. **در نظام ارباع، قبایل کوفه به چهار قسمت تقسیم می شد که یک چهارم جمعیت کوفه را قبایل ربیعه و کننده تشکیل می دادند.** این امر، شاهد حضور جمعیت زیاد کنديان در کوفه است.

نمودار بطون قبیله کنده^{۱۷}





حیات سیاسی-اجتماعی

- پیوند عشیره ای و عصبیت قبیله ای و تخالف از ابعاد مشترک میان قبایل عرب قبل از اسلام است. قبایل عرب سال های طولانی پس از ظهور اسلام بر این ابعاد پایبند ماندند، در واقع این سه بعد ارکان اساسی حیات اجتماعی قبایل را تشکیل می دادند و منزلت اجتماعی آنها را تعیین می کردند و از قبیله یک واحد اجتماعی یا سیاسی می ساختند این ویژگی ها بیشتر مربوط به عربستان شمالی بود،

پیوند عشیره ای و عصبیت قبیله ای و تخالف

- اما عربستان جنوبی که محل جغرافیایی، قبایل یمنی و کندیان بود. برخلاف عربستان شمالی، به تمدن های بزرگی اتصال داشت که اطراف جزیره را محاصره کرده بودند و بیشتر ساکنان آن شهرنشین بودند. از این رو، جنوبی ها درک بهتر و کامل تری نسبت به مفهوم مدنیت داشتند. آنها از نظر اقتصادی و کشاورزی دارای وضعیت مناسب تر و بهتری بودند و برای معیشت خود مجبور به عبور از صحرای گرم و طولانی نبودند.

- از این رو در بیشتر اجتماعات بزرگ، یک جا گرد هم می آمدند و دارای حکومت و نظام خاص اجتماعی بودند. از دولت عرب های جنوب شبه جزیره عربستان می توان به معینی ها، سبا، حمیر و در نهایت به کندیان اشاره کرد. برخی از این حکومت ها محل حکومت سبائیان در مبالغ دینی و قرآن کریم آمده است. در بین حکومت های جنوب شبه جزیره، سابقه حکومت کندیان به پیش از میلاد باز می گردد.

نلینو در این باره می گوید:

- «عربی فصیح عبارت از لهجه های قبایلی است که به نظم و شعر شهرت داشتند. لغت نویسان و نحویان شواهد و مراد خود را از آنان اخذ کردند و عبارت بودند از قبایل معد که پیش از نیمه قرن پنجم میلادی زیر لوای حکومت کنده متحد گردیدند»

قبایل معد

- البته کتیبه هایی یافت شده است، که حکومت کنديان را در قرون بيش از ميلاد مسيح ثابت مي کند. کنديان تاثير فراواني در سياست عرب هاي جنوبي داشتند و ملوک عرب و عجم به آنها توجه مي کردند. به کنديان به جهت علاقه به پادشاهي و ملک داري ، کنده الملوک مي گفتند.

کنديان تاثير فراواني در سياست
عرب هاي جنوبي داشتند

- در یمن بین کنديان و حمير روابط مصاهر، يعنى علاقه اى كه به سبب ازدواج بين جمعى حادث مى شود، وجود داشت. حميريان در اواخر عمر دولت خویش از كنديان كمك گرفتند تا اين كه حجر اكل المرار بر آنها مسلط شد. جنگ هاى فراوان بين كنديان و حميريان، موجب سقوط دولت كنده و مهاجرت آنان به طرف حضرموت شد. البته كنديان مدتى طولانى پيش از سقوط امارتشان در سرزمين حضر موت سكوت داشتند اما با سقوط دولت كنده، مهاجرت آنان به حضرموت بيشتر گرديد.

ازدواج بين جمعى



- نتیجه این که کنديان از قبایل مهم يمن بودند و حکومت منظمی داشتند. آنها بیشتر در شرق يمن زندگی می کردند ولی حوزه نفوذشان به يمن محدود نمی شد. کنديان با ادیان آسمانی در ارتباط بودند و بطون فراوان داشتند. آنها در عصر جاهلی به صورت هی مختلف با قریش و بنی هاشم ارتباط داشتند و دارای موقعیت اجتماعی ممتازی بودند. شاید در راستای همین موقعیت اجتماعی، کنديان بود که مهر زنان کندي را کمتر از صد شتر قرار نمی دادند و گاهی مهر یک زن به هزار شتر می رسید.

ب) پس از اسلام

• ۱- اسلام کنندیان

- رسول اکرم (ص) در مراسم حج سال دهم بعثت، اسلام را بر کنندیان عرضه کر و آنان با وجود شناختی که از آن حضرت (ص) داشتند دعوت ایشان را نپذیرفتند. پس از هجرت مسلمانان به مدینه و گسترش شعاع اسلام در جزیره العرب قبایل عرب از مناطق مختلف شبه جزیره، گره گروه به خدمت رسول خدا (ص) می رسیدند و مسلمانان می شدند. در این زمان، شصت نفر از کنندیان در سال دهم هجری به همراه اشعث بن قیس، خدمت پیامبر (ص) رسیدند و مسلمانان شدند. در این وقف، ابراهیم بن قیس، برادر اشعث همراه او بود.

• **کنندیان پس از مسلمان شدن به درخواست رسول خدا (ص) لباس های زربفت و حریر خود را که پوشیدن آن بر مسلمانان حرام بود، تعویض کردند.** بر اساس حدیثی، رسول خدا(ص) تعدادی از قبایل یمنی مانند سکون کنده، سکاسک، خولان العالیه و املوک ردّمان را ستودند. بر اساس گزارش خبر کنندی آن حضرت(ص) در وفد کند بر قبایل سکانیک و سکون درود فرستاد، اهل یمن را ستود و برای آنان دعا کرد.

- اشخاص مهمی از کنديان که وفد کنه حضور داشتند عبارت بودند از: اشعث بن قيس کندی، جَعْد کندی، اماناه بن قيس حارث بن فروه بن شيطان بن خديج کندی، شريك بن ابی اغفل بن سلمه تجیبي(وی از تیره بنی سوم از اشرس بن شبيب از سکون از شعرای مخضرم قبیله کنده بود) از این رو نسبت شريك را سومی هم آورده اند و حارث بن سعيد بن قيس کندی از تیره بنومعاويه الاکرمين.

- همچنین تعدادی از اشراف کنده خدمت آن حضرت (ص) وقت فرستادند اما توفیق تشریف نیافتند. در کنار این افراد ابواسود بن یزید بن معدیکرب بن مالک بن حارث کندی از بزرگان کندی و صاحب مرباع بنی هند بود که همراه برادرش، حجر بن یزید، خدمت پیامبر (ص) شرفیاب شدند و مسلمانان گردیدند.



مزار ابن اثیر: موصل عراق

- به طور طبیعی، قبایلی که در وقود مسلمان می شدند، آشنایی چندان با مبانی دینی نداشتند و بیشتر حکومت سیاسی اسلام را می پذیرفتند. بر همین اساس، برخی از این قبایل پس از رحلت پیامبر اکرم (ص) از پذیرش حکومت دینی سر باز زدند و ان را نپذیرفتند که کندیان نیز از این قاعده مستثنا نشدند. البته عده ای از کندیان پس از این وفد کم کم به مدینه رفتند و بعدها برخی از ایشان در کوفه و یا مکه ساکن شدند چنان که به گزارش ابن اثیر، زبیر بن بکار در شرح حال ابوتجراه صحابی می گوید:
- وی از تیره بنی تجراء از قبیله کنده است که به مکه مهاجرت کرد

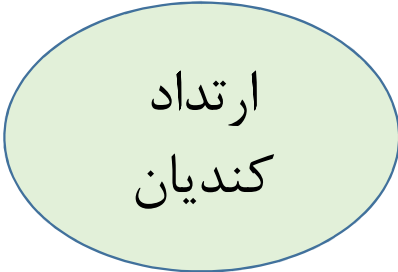
۲- ارتداد کندیان

- پس از انتشار خبر بیماری رسول الله (ص) عده ای تحت عنوان ادعای نبوت مرتد شدند اما کندیان در برخورد با مقوله ارتداد چند دسته شدند. عده ای مانند تیره‌های های سکون کنده و افرادی مانند ابوقرغان کنده ثبات نشان دادند و بر اسلام پایدار ماندند. برخی متهم به ارتداد شدند و عده ای مرتد گردیدند. در مجموع ارتداد کندیان با ارتداد قبایل دیگر متفاوت بود و اسباب متعددی داشت که یکی از آنها، بی توجهی عامل زکات خلیفه اول به قرار کندیان با رسول خدا(ص) در حمل زکات آنان به مدینه بود.

- بر اساس گزارش های تاریخی، زمانی که مردم کنده و خضرموت مسلمان شدند، **پیامبر(ص)** دستور داد، **قسمتی از زکات حضر موت را برای کنده و زکات کنده را برای حضرت موت صرف کنند**، مردی از بنی ولیعه کنده از پیامبر(ص) درخواست کرد که چون ما شتر نداریم اگر صلاح می دانید، زکات ما را حمل کنید و پیامبر(ص) این درخواست را قبول کرد. بعد از رحلت پیامبر(ص) زیاد بن لبید عامل خضرموت برای جمع آوری زکات بین مردم ولیعه رفت. آنها از او خواستند چنان که پیامبر(ص) وعده داده است باید زکات ما را حمل کنید. زیاد در جواب از آنها خواست که چون شتر دارند، خودشان زکات را حمل کنند. با بروز دردش، زیاد، مردم حضر موت هم درشتی کردند و زکات ندادند. در این هنگام زکات ندادن بخشی از کنندیان حمل بر ارتداد آنان کردیم.

- دلایل دیگری که در ارتداد کننده دخیل بود، **حساسیت کندیان به ویژه ملوک کننده به جانشینی و روی کارآمدن قبایل ضعیف تیره‌های قریش بود.** ملوک کننده دارای القاب پادشاهی بودند که پس از ظهور اسلام و مسلمان شدن، آن القاب و موقعیت های برتر آنان از بین رفت. از طرفی، بنوتمیم که خوارترین قریش بود، جانشینی رسول خدا(ص) را تصاحب کرد و حاکم شد. اشعث بن قیس و ملوک چهارگانه کننده، خود را بالاتر از ابوبکر می دانستند و معتقد بودند که قبل از این که قرشی در روی زمین باشد، ما دارای ملوک و پادشاه بودیم. آنان با این نگاه، تعدادی از قبایل را بر حکومت مدینه شورانیدند. البته در این بین عده ای مانند حارث بن سراقه کندی در حزموت یمن، اهل بیت(ص) را شایسته خلافت می دانستند و از این رو به مخالفت با ابوبکر پرداختند.

- لازم به توضیح است که این مخالفت در حالی بود که بنا به گزارش وافدی در الرده ، ابوبکر با فرستادن ابوهند، زیاد بن لبید بیاضی، عامل کنده و حضرموت، کندیان را از جانشینی خود با خبر ساخته بود. این امر نشان دهنده اهمیت این قبیله، نزد حلیفه نخست است. علاوه بر دلایل بالا، علل دیگری مانند زورگویی عاملان زکات به هنگام گرفتن زکات، تصور ناتوانی طبقه حاکم و قبیله بنی تمیم از همراه کردن عرب از دلایل ارتداد کندیان و همراهی تیره هایی از آنان با کذاب عنسی بود. کندیان، آخرین قوم از اهل رده بودند که به دست مسلمانان اسیر گردیدند و روانه مدینه شدند.

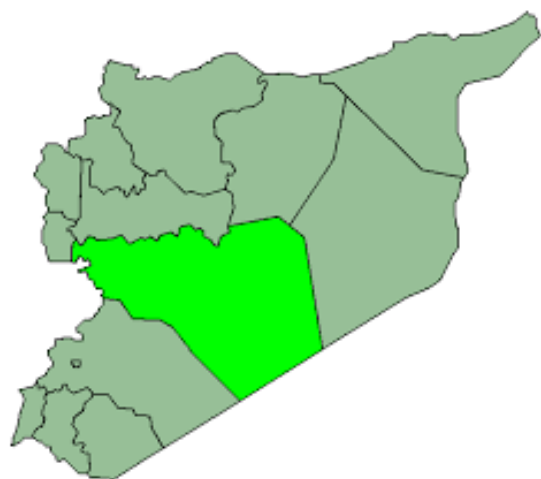


ارتداد
کندیان

- افراد مشهوری از کندیان که مرتد شدند، عبارت هستند از:

- ۱- اشعث بن قیس کندی، سردسته اصلی مرتدان که با حيله از کشته شدن نجات یافت

- ۲- اشعث بن میناس - مئناس - سکونی از تیره سکون از قبیله کنده، یکی از رهبران کنده بود که همراه سایر کندیان به رهبری اشعث بن قیس بر ضد ابوبکر شورش کرد. آنان حاضر به پرداخت زکات نشدند. زیرا پس از خیانت اشعث و شکست کندیان در نخیر و کشته شدن نجیریان، اشعث بن میناس با اشعاری بر آنان مویه کرد.



منطقه حمص در سوریه

- هنگامی که ابوعبیده جراح در سال پانزدهم هجری قمری، حمص را به محاصره درآورد و هرقل نتوانست برای شکست محاصره مسلمانان، کاری را پیش برد، مردم حمص چاره ای جز تسلیم و مصالحه با مسلمانان ندیدند. بنابراین، ابوعبیده قبایل گوناگون را به فرماندهی عباد بن صامت ساکن حمص کرد، یکی از این قبایل قبيله سکون به فرماندهی اشعث بن میناس سکونی بود.

ابوعبیده جراح

- ۳- جانشین کندی از کندیان مرتد بود که اسیر گردید و دست بسته کشته شد.
- ۴- **جَآمَد کندی** از ملوک چهارگانه یمن بود که بخشی از سرزمین یمن خاص آنان بود. جَمَد و دیگر فرزندان بنولیه از حضرموت ، همراه وفد کنده نزد رسول خدا(ص) به مدینه آمدند و مسلمان شدند. جمد مانند دیگر پادشاهان یمن پس از رحلت رسول خدا(ص) مرتد شد و از پرداخت زکات خودداری کرد. او در نبردهای رده به قتل رسید.
- ۵- اماناه بن قیس بن شیبان بن عاتک بن معاویه از تیره بنومعاویه قبیله کنده است که با وفدی نزد سول خدا(ص) آمد. او عمری دراز داشت و از معمران بود. او فرزندی به نام یزید داشت که در ان وفد نزد رسول الله (ص) آمد و در جریان رده مرتد شد و در نبرد یوم النخیر در دوران ابوبکر کشته شد.

۱- مهاجرت کننده به کوفه

- متقارن ظهور اسلام، تحولات سیاسی، دینی و فرهنگی وسیعی در جزیره العرب رخ داد که موجب شد برخی از افراد برا فرار از جاهلیت به مناطق دیگر مهاجرت کند. کسانی که به این دلایل به مناطق نفوذ حکومت اسلامی می آمدند، مهاجر نامیده می شدند. گزارش تاریخی از قبل تخلیط کوفه وجود ندارد که نشان دهد افرادی از منطقه حجاز به کوفه مهاجرت کرده باشند اما پس فتح حیره، تعداد زیادی از قبایل عرب به این شهر اسلامی که تازه بنا شده بود، مهاجرت کردند.

- به طوری که به گفته بلاذری، دوازده هزار یمنی، بخشی از نخستین مهاجران به حیره(کوفه) بودند. پس از مهاجرت قبایل عرب به کوفه، این شهر تخلیط شد و هر قبیله، محله ای را به خود اختصاص داد، برخی از قبایل، مانند کنديان به جهت داشتن شخصیت های برجسته و جمعیت زیاد، نقش مهمی را در حوادث صدر اسلام و عصرهای بعدی بر عهده گرفتند.

بلاذری



ابن حزم

- کوفه و بصره بعد از تخطیط موقعیت جغرافیایی، نیازمند میزبانی قبایل بیشتری، بودند تا به تجهیز لشکر اسلام کمک کنند. بنابراین، کمترقبیله عربی را می توان نام برد که تعدادی از افراد آن به این دو شهر، مهاجرت نکرده باشند. به گفته ابن حزم، کنده نه بطن داشته است که شش بطن آن به کوفه مهاجرت کردند، آنچه در این مهاجرت گسترده جالب توجه است استعدادهایی است که بعضی از قبایل مانند کنده، به محض ورود به کوفه از خود نشان دادند و در حیات سیاسی- اجتماعی این دو شهر، نقش های مهمی ایفا کردند.

- کنديان به محض ورود به کوفه به کمک رييس مقتدر خود اشعث بن قيس به موقعيتی برتر دست يافتند. آنها پس از تخطيط کوفه، **اولين بنایی که ساختند مسجد بود**. مسجد کنديان دارای موقعيت ممتازی بود و در کنار خانه سعد بن ابی وقاص قرار داشت.

- بعدها خانه سعد به عنوان دارالاماره کوفه شناخته شد. طراحان ساختمان مسجد کندیان به گونه ای بود که در هر طرف آن، معبرهایی وجود داشت و تجمع مردم سبب ازدحام نمی شد. در طرف قبله، چهار معبر قرار داشت که بین بنی اسد، نخع، کنده و ازد ایجاد فاصله می کرد. بنابراین، کنده در کنار این سه قبیله و در ضلع جنوبی از شرق به غرب قرار گرفت.

• .

- کنديان علاوه بر مسجد معروف کنده، مساجد مهم ديگري داشتند. يکي از اين مسجدها مسجد سکون متعلق به بنی سکون کنده بود. اين مسجد در جريان قيام مختار در سال ۶۶ هجري قمری محل استفاده نيروهای مختار بود. هم چنین، مسجد بنی بهدله از قبیله کنده در جنوب مسجد جامع قرار داشت. علاوه بر اين ها مسجد مستقلي به نام اشعث بن قيس در جنوب مسجد جامع بود. **مسجد اشعث از مساجد ملعونه به شمار آمده است و در روايتی منسوب به اميرمومنان (ع) از نماز خواندن در آن نهي شده است**

- مسجد جامع کوفه، درب های متعددی است که به جهت حضور کندیان در ورود و خروج از یکی از درب ها، آن درب باب الکنده نامیده می شد. قاتلان امیرمومنان حضرت علی بن ابی طالب(ع) از باب الکنده مسجد جامع گریختند. علاوه بر مساجد در کوفه، هر قبیله ای جبانه ای داشت که به نام قبیله یا رئیس قبیله مشهور بود. اشعث، جبانه قبیله را به محض ورود به کوفه رسم کرد و زمین های اطراف آن را بین کندیان تقسیم نمود. ابن جبانه کنده شهرت یافت. محله کندیان در کوفه معروف و مشهور بود. بر اساس برخی گزارش های تاریخی، هنگامی که ابوهریره در کوفه بود، به جهت موقعیت ویژه محله کندیان پس از نماز عشا در قبیله کنده می نشست و مردم نزدش می آمدند در گزارشی آمده است:

- جوانی از او پرسید: ای ابوهریره! خدا تو را نگه دار باشد. ایا از رسول خدا (ص) شنیده ای که درباره علی ابن ابی طالب بگوید «اللهم وال من والاه و عاد من عاداه» گفت: آری! جوان گفت: به خدا قسم! تو یا دشمنی او، دوستی و با ولی او، دشمنی کردی

۱- کنديان و نقش آنان در فتوحات

- کنديان در فتوحات، حضور موثري داشتند و در نخستين فتوحات نقش هاي مهمي را برعهده گرفتند . جبیر بن قشعم بن یزید بن ارقم کندی که از مخضرمان است. به همراه کنديان در فتح عراق شرکت داشت و از طرف عمر، عهده دار قضا در قاديسه شد. گفته می شود، ابن کلبی نخستين کسی بود که در خلافت عمر در عراق به کار قضا پرداخت، ابن کلبی در اين باره می گوید: گروهی از بنی ارقم بن نعمان در روزگار حکومت امام علی(ع) در کوفه بودند. هنگامی که دشنام اهل عراق را به عثمان شنیدند، گفتند: ما در شهری که به عثمان دشنام داده می شود، امانت نمی کنیم بدین سبب به شام نزد معاویه رفتند و معاویه آنان را در رها(از سرزمین جزیره و بالاتر از حران که به زبان رومی نام آن را اذاما گویند اسکان دارد.

- سال چهاردهم هجری با آغاز درگیری های جدی مسلمانان با ایرانیان، حدود دو هزار و سیصد نفر از کندیان در جنگ قادسیه شرکت کردند. کندیان در جنگ های یرموک (۱۳ هجری قمری) در شام، قادسیه (۱۴ هجری قمری) و مدائن (۱۵ هجری قمری) و جلولا (۱۶ هجری قمری) در عراق، و نهاوند ۲۱ هجری قمری در ایران حضور داشتند و در جنگ یرموک، اشعث بن قیس یک چشم خود را از دست داد. او در نهاوند، فرمانده جناح راست سپاه بود و در فتح اصفهان (۲۳ هجری قمری) همراه کندیان شرکت داشت. همچنین در دوره عثمان، آذربایجان به وسیله کندیان به فرماندهی اشعث، دوباره فتح شد و اشعث با اهالی آن جا مصالحه کرد.

- در دوره خلافت سه خلیفه نخست، اشعث بن قیس به جهت نفوذ در بین کندیان و همراهی با خلقاء مدیریت های مختلفی را بر عهده گرفت. پس از جریان ارتداد کندیان، اشعث اسیر شد عکرمه او را نزد ابوبکر فرستاد. ابوبکر او را به شرط این که در جنگ ها به خلیفه کمک کند، آزاد کرد و خواهر خود را به عقد ازدواج او درآورد. **با این حال، ابوبکر در آخرین لحظات عمر خود پیشمان شد و آرزو می کرد، ای کاش! اشعث را کشته بود.**
- عثمان در سال ۳۴ هجری قمری اشعث را حاکم آذربایجان کرد و هر سال صد هزار درهم به او می داد. هنگامی که امیرمومنان حضرت علی(ع) به خلافت رسید، او را از حکومت آذربایجان عزل کرد و از او خواست به کوفه برگردد و اموالی را که از بیت المال برداشته بود به بیت المال باز گرداند.

- همچنین امروالقیس بن عابس کندی شاعر از تیره بنومعاویه بن کنده از فراد تاثیرگذاری بود که از او با عبارت کان الرجل الصالح یاد می شود. امروالقیس در فتوحات شرکت داشت و از فرماندهان جنگ یرموک بود. او پس از جنگ یرموک، ساکن کوفه شد. وی در جریان ارتداد بر دین اسلام ثابت قدم و قومش را به ثبات در اسلام فراخواند. او وفاداری خویش و خاندانش را به اسلام در اشعاری به آگاهی مسلمانان رساند. او با اشعث بن قیس که مرتد شده بود، برخورد کرد. همچنین در فتح بحیر در یمن شرکت کرد و عمویش را به جرم ارتداد به قتل رساند.

کان الرجل الصالح

- شریک بن ابی اغفل بن سلمه تجیبی، یکی دیگر از افراد تاثیرگذار کندی است که همراه گروهی خدمت رسول خدا (ص) آمد. سپس در مدینه ساکن شد و در فتح مصر در سال نوزده هجری قمری شرکت کرد. در سال ۳۵ هجری قمری، وقتی امیرالمومنین حضرت علی (ع) به خلافت رسید، **بعضی از قبایل کنده مثل تجیب و سکون به شام رفتند ولی عده زیادی از آنان به امیرالمومنین (ع) پیوستند و در جنگ جمل و صفین شرکت کردند، آنها هسته اولیه شیعه خالص را تشکیل دادند.**

- لازم به توضیح است که یمن دارای سه منطقه مهم جَند، صفا و حضرموت بود که بیشتر اهالی حضرموت را کنديان تشکیل می دادند. آنان پس از قتل عثمان، گرایشی شیعی داشتند و جند و صنعا دارای مذهب عثمانی بودند، در کوفه به ویژه در عصر خلافت امیرمومنان (ع)، قبایل کنده، قضاعه و حضرموت با هم جمع شدند و نیروی مقتدر یمنی را تشکیل دادند. سیادت یمنی ها با دو قبیله کنده و بحیه بود که کنده به رهبری اشعث دارای موقعیت برتر و مسلطی بودند. آنها در حوادث کوفه و جهان اسلام حضور مقتدر و موثری داشتند، ارتباط سببی کنديان با خلیفه نخست و سوم، همچنین با امام حسن مجتبی (ع) می توانست در اقتدار آنها موثر باشد.

قبایل کنده، قضاعه و حضرموت

نقش کنندیان در حادثه کربلا

- یکی از حوادث مهم و تاثیرگذار عراق، حادثه با عظمت کربلا بود که هر کدام از قبایل با حضور در یکی از طرف های درگیر، مواضع مذهبی و سیاسی خود را مشخص کردند. قبیله کنده با توجه به جمعیت فراوانی که داشت، در حوادث مهم مورد توجه والیان عراق بود. از این رو در حادثه کربلا، کنندیان، در هر دو جبهه حضور فعال داشتند.

- به عنوان نمونه، عبیدالله بن عمرو کندی، از افراد برجسته و تاثیرگذار شهر کوفه است که در جنگ های امیرالمومنین حضرت علی(ع) حاضر بود. او فرمانده نیروهای کنده و ربیعه در قیام مسلم بود. وی در روز قیام مسلم، پرچمدار او بود. مسلم در آخرین لحظات قیام، پس از خواندن نماز مغرب، قیام خود را از محله کندیان آغاز کرد تا مورد حمایت آنان واقع شود.

عبیدالله بن عمرو کندی

- همچنین، فرمانده مقابله با مسلم هم، فردی از کندیان به نام محمد بن اشعث کندی بود. محمد ابن اشعث بن قیس کندی مورد اعتمادی بنی امیه بود. او پیش از آمدن مسلم به کوفه، خبر آمدن مسلم را به یزید گزارش کرد علاوه بر آن، فرمانده نیروهای دستگیر کننده مسلم بن عقیل بود. او در کشتن امام حسین (ع) شرکت داشت. با این که کندیان زیادیتحت امر عبیدالله بن زیاد بودند اما از ترس عدم همراهی آنها با ابن اشعث و تمایل کندیان به مسلم بن عقیل، نزدیک هفتاد نفر از قیسیان، همراه محمد بن اشعث

- **محمد بن اشعث بن قیس کندی در کربلا حضور داشت و از افراد سرشناس سپاه ابن زیاد بود.** او با طرح پرسشی از امام سعی کرد، منکر فضائلی شود که امام حسین(ع) به سبب نزدیکی با رسول خدا(ص) دارا بود. پس از قیام مختار، محمد بن اشعث کندی به بصره گریخت و به تحریک مصعب بر ضد مختار پرداخت. او در نهایت در جنگ مصعب با مختار در سال ۶۷هـ.ق به دست نیروهای مختار به هلاکت رسید.

• **ام قحافه**، خواهر ابوبکر، پیش از اشعث بن قیس، همسر ابوامیه بود از او دختری متولد شد که آن دختر با عبدالله بن زبیر ازدواج کرد. به همین سبب آل اشعث علاوه بر خاندان معاویه با آل زبیر، ارتباطی تنگاتنگ داشتند.

• آل اشعث علاوه بر خاندان معاویه با آل زبیر، ارتباطی تنگاتنگ داشتند.

- قیس بن اشعث بن قیس، یکی دیگر از کندیان و اشراف کوفه بود که در کربلا حضور داشت. امام حسین(ع) او را با اهل خیانت، مکر و حيله معرفی کرد. هنگامی که امام شهید شد، پیراهن آن حضرت را به عنوان غنیمت برداشت و از این رو به قیس قَطیفه شهرت یافت. **خیانت از مهم ترین ویژگی های خانواده اشعث بود.** چنان که اشعث در بین کندیان به خیانت شهره بود. بنابراین به سبب خیانت هایش به او لقب **عرف النار** دادند.

خیانت های مکرر اشعث به کندیان در منابع تاریخی آمده است.

- هم چنین، کسی که نامه عبیدالله بن زیاد را درباره در تنگنا قرار دادن امام حسین(ع) و اصحابش در سرزمینی خشک و دور از آب به دست حر رساند، فردی از کندیان به نام مالک بن نسیر کندی بود. در مقابل شخصی که مالک بن نسیر کندی را به جهت خدمت به عبیدالله سرزنش کرد، شخص دیگری از کندیان به نام ابوالشعثاء یزید بن زیاد مهاصر کندی بود.

مالک بن نسیر کندی

- مالک بن النسیر کندی از کندیانی است که در کربلا به امام حمله کرد و پیش از هر اقدامی به امام دشنام داد. او در آخرین لحظاتی که امام زخمی و بی تاب شده بود بر سر آن حضرت شمشیر زد، به طوری که کلاه آن حضرت را شکافت و شمشیر بر سر امام فرود آمد و کلاه خود حضرت را پر از خون کرد. **امام حسین(ع)، او را نفرین کرد و فرمود:**
- **با این دست نه غذایی بخوری و نه آبی بیاشامی و خداوند تو را با ظالمان محشور کند.**
- او پس از واقعه کربلا در فقر و بدبختی به سر می برد تا به دستور مختار، دست و پایش قطع شد و به هلاکت رسید.

- پنج نفر از شهدای کربلا از کنديان بودند، اما در مقابل، تعدادی از کنديان در سپاس عبیدالله بودند. پس از شهادت امام و یارانش، هفده سر از شهدای اصحاب سیدالشهدا(ع) را کنديان به رهبری **قیس بن اشعث** نزد عبیدالله بن زیاد بردند. با این وجود، پس از شهادت امام تعداد زیادی از کنديان از حضور در سپاه عبیدالله پشیمان شدند و در قیام مختار شرکت کردند. آنها در سال ۶۶هـ.ق به فرماندهی اسودبن جواد کندي با عبیدالله بن زیاد، والی مروان جنگیدند و در حوادث سال ۷۶هـ.ق به فرماندهی عبدالرحمان بن محمد اشعث مشارکت کردند و بر ضد حجاج شوریدند. همین طور تا آخر دوره بنی امیه در حوادث مهم سهیم بودند.

- اشعث بیش از این به کمک یاران یمنی خود، حکمیت را بر امام تحمیل کرد و پس از شهادت امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) در فروپاشی لشکر امام حسن مجتبی(ع) نقش مهمی ایفا کرد. او پس از جنگ نهروان از اطاعت امام سرباز زد و نیروهایش را به کوفه برگرداند. امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) در جواب اعتراض اشعث، او را به شدیدترین شکل لعن کرد. ابن ابی الحدید، اشعث را از منافقان لشکر امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) معرفی می کند و بیشتر گرفتاری لشکر آن حضرت را از ناحیه اشعث می داند.

شخصیت های برجسته کننده و نقش آنان در حوادث

- اولین نشانه قدرت عرب، قدرتمندی مردان برجسته هر قبیله است. به طور معمول، قبایل عرب در کنار افراد برجسته خود می توانستند، مدیریت حوادث را در دست گیرند و نسبت به قبایل دیگر به موقعیت برتری دست یابند و گاه رهبری قبایل دیگر را به دست گیرند.

اولین نشانه قدرت عرب، قدرتمندی مردان
برجسته هر قبیله است.

- قبیله کننده به سبب وجود شخصیت های برجسته خود در سلسله مراتب اجتماعی دوران جاهلی دارای شرافت اجتماعی بالایی بود تا جایی که مرتبه شرافت پادشاهان کننده را پس از هاشم بن عبدمناف در میان قریش، زراه تمیم، حذیفه فزاری و ذوالجدین شیبان قرار می دادند. پس از ظهور اسلام، کننده دارای شخصیت های متضادی بود که در سرنوشت مسلمان ها بسیار تأثیر گذارند. بعضی از این شخصیت ها عبارت هستند از:

• ۱- **حجر آكل المرار** که یکی از مشهورترین امیران کندی در قن پنجم میلادی و ملقب به آكل
امرار بود که توانست سیادتش را بر قبایل شمالی نجد تحمیل کند. او نفوذ خویش را تا یمامه و
مرز قلمرو منذر گستراند و دو قبیله بکر و تغلب را به اطاعت درآورد. حجر از قبیله بنوهند
معروف به بنومالک بن حارث بن معاویه بود. پس از وی، پسرش عمرو ملقب به مقصور، جانشین
پدر شد. در دوران پادشاهی او بکر و تغلب پیمان شکستند و جنگ چهل ساله ای بین دو قبیله
شعله ور شد که به حرب البسوس معروف گردید.

- پس از عمرو پسرش، حارث روی کار آمد. در زمان او، دولت کنديان به اوج عظمت خود رسيد، قبایل نجد مطیع وی شدند، بکر و تغلب به او پناه بردند و او پسران خویش را به حکومت اطراف گمارد. به اوج عظمت خود رسید، قبایل نجد مطیع وی شدند، بکر و تغلب به او پناه بردند و او پسران خویش را به حکومت اطراف گمارد. شهرت فرزندان آکل المرار به حدی بود که ابوسفیان در سفر به یمن، بنوعبد مناف را فرزندان آکل المرار کندی می نامید تا مشکلی برای وی پیش نیاید، اما رسول خدا(ص) این نسبت را رد کرد.

• ۲- **أَشْعَثُ بْنُ قَيْسٍ كَنْدِي** از شخصیت های اثر گذار و برجسته کنده در پیش و پس از اسلام بود. او آخرین پادشاه از اقیال کنده در جاهلیت بود. یک چهارم غنایم حضرموت به او اختصاص داشت. پس از اسلام مانند پادشاهان می زیست و هنگامی که خدمت رسول خدا(ص) مشرف شد، لباس های حریر زربفت بر تن داشت. او نخستین کسی بود که سوار بر اسب می شد و مردم به دنبال او حرکت می کردند.

- **اشعث در سال دهم هجری قمری به همراه وفد کندیان نزد رسول خدا(ص) آمد و مسلمان شد.** اما بعد از رحلت پیامبر(ص) در یمن مرتد گردید. او پس از مدتی درگیری با نیروهای مسلمان، اسیر شد. ابوبکر، اشعث را بخشید و خواهرش، ام فروه را به ازدواج وی درآورد. بعدها ابوبکر اظهار پشیمانی می کرد و می گفت:
کاش! همان موقع که اشعث اسیر شده بود، او را می کشتم

- قبل از این، رسول خدا(ص) قصد داشت با زنی از قبیله کنه به نام جونیه ازدواج کند. حضرت ، ابواسید را برای آوردن او به خانه پیامبر(ص) مأمور کرد، ولی با دسیسه ای که برخی زنان آن حضرت انجام دادند، رسول خدا(ص) ابواسید را مأمور بازگرداندن جونیه به نزد خانواده اش کرد.

• **اشعث در جنگ قادسیه شرکت کرد.** او در زمان عمر، یکی از فاتحان شهرهای ایران بود. عثمان ولایت آذربایجان را به او داد و دختر اشعث را به ازدواج پسرش درآورد. امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) در دوران خلافت خویش، او را عزل کرد. امام حسن(ع) داماد اشعث شد به جهت این عزل، نسبت به آن حضرت کینه در دل داشت. او در صفین به همراه یاران یمنی خود بر حکومت ابوموسی تأکید کرد و به غیر حکمیت ابوموسی راضی نشد و کینه خود را آشکار کرد. اشعث به همدستی با قاتل امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) متهم است. آن حضرت بارها اشعث را در قنوت نماز خود، لعن کرده است.

• ۳- اُکیدر بن عبدالملک بن عبدالحی کندی، شخصیت دیگری از کنديان بود. اکيدر لقب پادشاه دومه الجندل بود. او از قوم کنده و مسیحي بود و در دومه الجندل دارای دژی استوار بود و به شکار حیوانات علاقه داشت. تجار عرب، از ظرم و ستم اکيدر بن عبدالملک به رسول خدا(ص) شکایت کردند و خالد بن ولید، اکيدر را به دستور رسول خدا(ص) سرکوب کرد.

• ۴- ابوشمر بن قیس کندی، از بزرگان و شاعران تأثیر گذار جاهلیت و اسلام بود.

• ۵- ابوقرّه بن معاویه کندی، فردی شریف بود و بر رسول خدا(ص) وفد فرستاد. او راوی حدیث سلمان فارسی است. وی از افراد تأثیر گذار بر حوادث کوفه است که فرزندش به نام عمرو به گزارش ابن سعد، پس از شریح، قاضی کوفه شد. برخی، او را عهده دار قضاوت کوفه از سوی حجاج می دانند.

• ۶- **عبدالله بن سام کندی**، از دیگر شخصیت های بزرگ کنده بود که پیش از اسلام از یمن به مدینه آمد و با زنی از یهود بنی قریظه ازدواج کرد و از علمای یهود شد. او پس از ظهور اسلام، خدمت رسول خدا(ص) رسید و مسلمان شد. عبدالله در عصر خلیفه دوم از شخصیت های تأثیر گذار بر خلیفه بود. عمر به هنگام فراخوانی لشکر، او را هم فرا می خواند این امر نشان دهنده تأثیر او در حوادث عصر خلیفه دوم است. **او اخباری را از کتاب یهود درباره خلقت زمین، بهشت، جهنم و جزای روز قیامت نقل می کرد.**

- عمر بن خطاب از او درباره ویژگی های رسول خدا(ص) در تورات پرسید و او صفات آن حضرت را از کتاب بنی هارون چنین توصیف کرد:

- نام او احمد و از فرزندان اسماعیل است که به دین حنفیه که دین ابراهیم است
- ظهور می کند و هنگام شست و شو از ازار می پوشد. او آخرین فرستاده و پیامبر خدا است.

• ۷- **حارث بن عَفیف کندی**، از صحابه به شمار می رفت. او روایت معروف نماز خواندن پیامبر(ص) و علی(ع) و خدیجه(س) را در اوایل بعثت و هنگامی که کسی قبل از آنان اسلام نیاورده بود، نقل می کند.

• ۸- **حارث بن معاویه سکونی**، از سکون، کنده بود. وی در عصر جاهلی با بنی هاشم هم پیمان شد. در زمان صلح امام حسن(ع) در کوفه درگذشت و امام حسن(ع) بر او نماز خواند.

• ۹- **ثور بن مالک کندی**، از یاران معاذ بن جبل در یمن بود. هنگامی که معاذ خبر رحلت پیامبر(ص) را شنید، ثور را جانشین خود کرد. وی در زمان ارتداد کندی ها، خطبه ای خواند و آنان را بر ادامه راه رسول خدا(ص) ترغیب نمود، ولی از او نپذیرفتند.

• ۱۰- **امروءالقیس بن عابس کندی**، از شعرای تأثیر گذار کنده بوده. او با عبارت « کان الرجل الصالح » یاد شده است. او در جریان ارتداد، بر دین اسلام ثابت قدم بود و قوم خویش را به ثبات در اسلام فرا می خواند. همچنین ، وفاداری خویشاوندانش را در اشعاری به آگاهی ابوبکر و مسلمانان رساند و با اشعث بن قیس که مرتد شده بود، جنگید. او در فتح نجیر در یمن که مرتدان را محاصره کرده بودند، شرکت کرد. هنگامی که عمویش از حصار خارج شد، امرؤالقیس به سوی او رفت تا وی را بکشد. عمویش به او گفت که وای بر تو! می خواهی مرا بکشی؟ من عموی تو هستم! امرؤالقیس به او پاسخ داد: انت عمی، و الله عزوجل ربی. او در فتوحات از فرماندهان جنگ یرموک بود.

- ۱۱- **شَرِیح بن مَرَّه بن سلمه کندی**، و هم تیره ای حُجر بن عدی بن ربیعہ است. به سبب سرودن شعری به او، شرح بن مکدّد می گویند. مضمون این شعر او عبارت است از:
با اصرار از من بخواهید که من آن چه در سختی و آسانی به دست آورده ام خواهم بخشید.
- شریح انسانی بخشنده بود. او از افرادی بود که خود به خدمت رسول خدا(ص) شرفیاب شدند. آن گاه که اشعث بن قیس، حاکم آذربایجان از سوع عثمان بود او را حاکم بخش هایی از آذربایجان کرد.

• ۱۲- **جَبَلَه بن ابی گَرِیب بن قیس کندی**، از دیگر شخصیت های کندی است. او خدمت رسول خدا(ص) رسید. نام او در دیوان، در فهرست کسانی بود که دوهزار و پانصد درهم سهم داشتند.

• ۱۳- **شَطَب مَمْدود کندی**، نزد رسول خدا(ص) رفت و پس از معرفی خود به عنوان کسی که تمام گناهان را انجام داده است و از هیچ گناهی نگذشته است، از پیامبر(ص) پرسید:

• آیا برای چنین فردی راه بازگشت هست؟

- رسول خدا(ص) پس از شنیدن بیان شهادتین از شطب، فرمود:
- *بله کارهای خیر انجام بده و بدی ها را ترک کن که خداوند تمام اعمال تو را خیر قرار می دهد.*

- او پس از شنیدن سخنان پیامبر(ص) به طور مداوم. الله اکبر گفت تا از آنجا دور شد.
- متن خبر مربوط به شطب، حکایت از آن دارد که **شطب ممدود مرتکب جنایاتی شده بود و اموال حاجیان را در راه مکه غارت می کرده است.** او بعدها به شام رفت و در آن جا ساکن شد.

• ۸-۱- حجر بن عدی کندی، در سال ۴۱ه.ق، وقتی مغیره والی کوفه شد، معاویه از وی خواست با شدت تمام دشنام به امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) را رواج دهد، بر ضد او و پیروانش تبلیغ کند، عیب جویی بر یاران حضرت علی(ع) را فراموش نکند و بر شدت مبارزه خود به منظور تحقیر، خفت و عیب جویی از شخصیت امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) و پیروانش را افزایش دهد و سرانجام درباره پاکدامنی های عثمان و هوادارانش تبلیغ کند.

• بنابراین، **مغیره** از عیب جویی بر یاران علی(ع) و ناسزاگویی به آن حضرت دریغ نکرد. حجر نتوانست این شرایط را تحمل کند و با شنیدن این سخنان گفت:

شما خود چنین هستید، پس خدا شما را مذمت و لعن کند.

• همچنین گفت:

شهادت می دهم کسی را مذمت می کنیم که سزاوار تمجید است و فضیلت گفتن و آن کسی را تمجید می کنید که سزاوار مذمت است.

- مغیره در مدت حدود ده سال حکومت خویش، بر این روش عمل کرد. او در اواخر عمرش بر منبر رفت و مدح عثمان کرد و بر امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) و یارانش عیب گرفت. حجر با شنیدن یاهوهای مغیره برخاست و با صدای رسا و بلند، به طوری که افراد بیرون می شنیدند گفت:

از بس پیر و خرفت شده ای نمی دانی چه می گوئی، بگو مقرری های ما را که از ما منع کرده ای، بدهند.

- در این هنگام بیش از سی و دو نفر از جمعیت مسجد، حجر را تأیید کردند. ثقفیان بر مغیره خرده گرفتند که چرا اجازه می دهی حجر با تو چنین بگوید؟ مغیره گفت:

به خدا او را به کشتن داده ام، پس از من حاکمی می آید که با او مدارا نمی کند.

- **با مردن مغیره در سال ۵۱ه.ق، کوفه به امارات زیاد بن ابیه ملحق شد.** حجر آشکارا با یاران خود، معاویه را در مسجد لعن می کرد. زیاد بن ابیه از بصره به کوفه آمد و درباره حجر به معاویه، نامه نوشت. سپس، سران قبایل را جمع کرد و با تهدید و تطمیع، آنها را وادار کرد علیه حجر شهادت بدهند. یکی از شاهدان، ابوپرده پسر ابوموسی اشعری بود که به کفر حجر شهادت داد و دیگران امضاء کردند. سپس زیاد، حجر را نزد معاویه فرستاد و معاویه، او را به شهادت رساند.
- هنگامی که عده ای علیه حجر شهادت دادند، شریح بن حارث کندی قاضی غیاب بود. زیاد از طرف او، نامه ای نوشت و علیه حجر شهادت داد. وقتی شریح از کار زیاد مطلع شد به معاویه نوشت:
- *شهادت من این است که حجر مسلمانی با عفت، نمازگزار، اهل زکات و روزه است، حج و عمره می گزارد. امر به معروف و نهی از منکر می کند، خون و مال او حرمت دارد و سابقه او در اسلام زیاد است.*

- ۱۵- ارقم بن عبدالله کندی، یکی از شش یار حجر بود که همراه او به شهادت رسید.
- ۱۶- شریح بن حارث کندی، قاضی کوفه، عثمانی مذهب بود و برای یاری و کمک رسانی به عثمان بسیار تلاش کرد. امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) می خواست او را از منصب قضا عزل کند، ولی به خاطر جایگاه او در نزد یمنی ها و مردم کوفه این کار را نکرد. مختار می خواست او را قاضی کوفه کند، ولی او، خود را بیمار نشان داد و اصحاب مختار به وی گفتند که او عثمانی مذهب و از مخالفان شیعیان امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) است.

- شخصیت های دیگر از کندیان مانند **شَیْب بن غالب بن اَسید کندی**، **شجره الکندی**، **ابومریم کندی** بودند که اخباری از رسول خدا(ص) نقل می نمودند و خلفا به ایشان توجه می کردند. ابو مریم کندی در بیت المقدس، همراه خلیفه دوم بود و در بیت المقدس نماز گزارد. **عبدالله بن قیس تراغمی سکونی** (تراغم بطنی از سکون کنده است) شخصیت دیگری از کندیان بود که جاهلیت و اسلام را درک کرد. او از یاران **معاذ بن جبل** و مصاحب او بود و از طریق او از رسول خدا(ص) حدیث نقل می کرد.

نتیجه گیری

- قبایل عرب با گرایش های مختلف در حوادث صدر اسلام دارای نقش های مهمی بودند. نوع گرایش قبایل در تحقق اهداف خلفا مؤثر بود و خلفا کارهایی را که قادر به انجام دادن آن در سطح وسیعی نبودند به کمک قبایل انجام می دادند. اعضای قبایل فاقد اراده لازم سیاسی بودند و رئیس قبیله، نقش آنان را در حوادث تعیین می کرد. قبیله کننده به سبب برخورداری از موقعیت ممتاز اجتماعی و سیاسی در دستگاه خلافت نقش آفرین بود و به لحاظ گرایش خاص سیاسی، خلل زیادی در خلافت امیرالمؤمنین حضرت علی(ع) ایجاد کرد. آنان در دوره بنی امیه، ضربه های زیادی به خاندان رسالت وارد کردند.

- دست آورد این مقاله، تبیین عرصه های فعالیت این قبیله در دوران خلفا و حوادث مهم قرن اول هجری است. این مقاله با بررسی موقعیت تاریخی- سیاسی و بطون مهم قبیله کنده، عرصه های فعالیت این قبیله را مشخص کرده است. **از نگاه تاریخی، کنندیان از قبایل مهم یمن بودند. آنان بطون فراوان و حکومت منظمی داشتند و حوزه نفوذشان محدود به یمن نبود.** کنندیان در جاهلیت، علاوه بر ارتباط با قریش و بنی هاشم با دیگر ادیان آسمانی در ارتباط بودند. موقعیت ممتاز اجتماعی رجال برجسته کنده در جاهلیت موجب تأثیر گذاری آنان در حوادث پس از اسلام شد.